

روزنامه جوان | شماره ۵۵۲۴ | روزنامه جوان | شماره ۵۵۲۴

بحث و فحوص پیرامون علل و زمینه‌های سقوط پهلوی دوم در آستانه چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی، از اولویت‌های تاریخ‌پژوهی معاصر در این برهه است. گفت‌وگویی که با مبارز و محقق ارجمند جناب دکتر جواد منصوری پیش رو دارید نیز از همین روی انجام گرفته است. امید می‌بریم که محققان و علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ **سمیرا پارسا**

طبعاً برشش آغازین ما در این گفت‌وشنود، دسته‌بندی عوامل روی کار آمدن و نیز براندازی سلسله پهلوی است. شما در این باره چه دیدگاهی دارید؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. خاندان پهلوی بر اساس یک طرح انگلیسی و کودتایی که توسط انگلیس طراحی شد، در سال ۱۲۹۹ روی کار آمدند. این خاندان در دوره سلطنت خود عملکرد بسیار مسئله‌داری داشتند به‌طوری که ملت ایران از جهات متعدد مخالف این خاندان بود و در هر فرصتی تلاش می‌کرد علیه اقدامات این خاندان عمل کند، از جمله در زمینه مسائل اقتصادی، اجتماعی، دینی و حتی در ابعاد خارجی. به هر تقدیر تا سال ۱۳۴۰ رژیم پهلوی توانست به‌نحوی این مخالفت‌ها را کاملاً سرکوب کند و بر اوضاع مسلط شود اما از سال ۴۱ به بعد شرایط تغییر کرد. با توجه به آگاهی‌هایی که مردم به دست آورده بودند و تحولات بین‌المللی و افزایش نقش رسانه‌های بین‌المللی و مهم‌تر از همه نقش رهبری امام که از سال‌های ۴۱، ۴۲ خود را نشان داده بود، عملاً صحنه مبارزات سیاسی کشور با گذشته‌اش تفاوت پیدا کرد تا اینکه در یک روند تحولی، این تحولات به سال ۵۶ رسید. در سال ۵۶ حرکت مردم ایران اوج می‌گیرد و رژیم شاه تصور می‌کند مثل گذشته می‌تواند این حرکت را به راحتی سرکوب کند اما هر اقدامی که انجام می‌دهد، عملاً حضور و شدت مخالفت مردم بیشتر می‌شود به‌گونه‌ای که در هر شهری ۵۷ تقریباً کنترل اوضاع از دست رژیم خارج می‌شود و کشور به‌تدریج به سمت انقلاب حرکت می‌کند. به نظر من پاسخ به این سؤال را که «چرا رژیم پهلوی سقوط کرد؟» را می‌توان در متن سخنان خود شاه پیدا کرد.

■ **منظور نشان از آخرین سخنرانی، همان مصاحبه‌ای است که از تلویزیون پخش شد؟**

بله، شاه در این سخنرانی می‌گوید وضعیت موجود استقلال مملکت را به خطر انداخته است. بعد هم می‌گوید: «من آگاه هستم که به نام جلوگیری از آشوب و هرج و مرج امکان دارد که اشتباهات و اختناق گذشته تکرار شود اما من به نام پادشاه شما که سوگند خوردم تمامیت ارضی این مملکت، وحدت ملی، مذهب شیعه اثنی‌عشری را حفظ کنم، بار دیگر در برابر ملت ایران سوگند خود را تکرار می‌کنم و متعهد می‌شوم که خطاهای گذشته و بی‌قانونی و ظلم و فساد تکرار نشود، بلکه خطاها را هر نظر جبران شود. من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم. من حافظ سلطنت مشروطه هستم که موهبتی الهی است که از طرف ملت به پادشاه تفویض شده است و آنچه را که شما برای به دست آوردنش قربانی داده‌اید، تضمین می‌کنم. تضمین می‌کنم که حکومت ایران در آینده بر اساس قانون، عدالت و اراده ملی و به‌طور از استبداد و ظلم و فساد باشد. من در اینجا از آیات عظام و علمای اعلام که رهبران روحانی و مذهبی جامعه و پاسداران اسلام و به‌خصوص خود و دعوت مردم به آرامش و نظم برای حفظ تنها کشور شیعه جهان بگوشتند. من از رهبری فکری جوانان می‌خواهم تا با دعوت آنان به آرامش و نظم، راه مبارزه اصولی برای برقراری یک مودکراسی واقعی به امرواز کنند. در این لحظات تاریخی بگذارید همه به ایوان فکر کنیم و بدانیم که در راه انقلاب ایران همه استعمار، ظلم و فساد من در کنار شما هستم و برای حفظ تمامیت ارضی، وحدت ملی و حفظ شعارهای اسلامی و برقراری آزادی‌های اساسی و پیروزی و تحقق خواست‌ها و آرمان‌های ملت ایران همراه شما خواهم بود.» این متن در واقع به روشن‌ترین وجه، دلیل انقلاب ایران را بیان می‌کند. یعنی شاه می‌گوید اعتراف می‌کنم که وابسته، فاسد، ظالم و بی‌قانون بوده‌ام؛ خاندان سلطنتی در این فساد نقش داشته و حتی به‌صراحت ضدیت خودشان را با اسلام در اشکال مختلف بیان کرده و به مردم نشان داده‌اند.

■ **طبعاً در سقوط این سلسله، شما اولویت را به زمینه‌های داخلی می‌دهید. از منظر شما این زمینه‌ها کدامند؟**

یکی ضدیت این خاندان و رژیم با اسلام بود. دوم فساد گسترده این خانواده در همه زمینه‌ها و سوم وابستگی شدیدشان به خارجی‌ها و چهارم سرکوب و خشنوتی که در برخورد با مخالفان داشتند. در کل وضعیت موجود کشور بر خلاف منافع ملی بود و حیثیت ما زیر چکمه‌های آمریکا و انگلیس از بیسن می‌رفت و منافع کشور توسط دشمنان ما غارت می‌شد. طبعاً تحمل این وضعیت برای مردم ایران بسیار زجرآور بود و اتفاقاً اینکه شعار اصلی مردم ایران در آن دوران استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود، بهترین دلیل بر این است که مردم با تحلیل عمیق به این نتیجه رسیده بودند که بخش عمده‌ای از مشکلات‌شان ریشه در سلطه خارجی و وابستگی رژیم دارد و برای تغییر این وضعیت، اولین گام به دست آوردن استقلال است. مردم با شعار آزادی، خوستار نفی استبداد داخلی بودند و با شعار جمهوری اسلامی، نوع حکومت مورد نظرشان را انتخاب کردند. علاوه بر اینکه شعار «نه شرقی نه غربی» هم به معنای نفی سلطه شرق و غرب بود.

■ **بر خلاف دیدگاه شما، عده‌ای بر این باورند که محمدرضا پهلوی به مذهبی بودن خود پافشاری داشت. سلطنت‌طلب‌ها هم**

میراث پهلوی

میراث پهلوی در حوزه‌های مختلف، از جمله اقتصاد، فرهنگ، آموزش و بهداشت، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است. با وجود اینکه پهلوی‌ها در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است، اما در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است.

■ **طبعاً برشش آغازین ما در این گفت‌وشنود، دسته‌بندی عوامل روی کار آمدن و نیز براندازی سلسله پهلوی است. شما در این باره چه دیدگاهی دارید؟**

بسم‌الله الرحمن الرحیم. خاندان پهلوی بر اساس یک طرح انگلیسی و کودتایی که توسط انگلیس طراحی شد، در سال ۱۲۹۹ روی کار آمدند. این خاندان در دوره سلطنت خود عملکرد بسیار مسئله‌داری داشتند به‌طوری که ملت ایران از جهات متعدد مخالف این خاندان بود و در هر فرصتی تلاش می‌کرد علیه اقدامات این خاندان عمل کند، از جمله در زمینه مسائل اقتصادی، اجتماعی، دینی و حتی در ابعاد خارجی. به هر تقدیر تا سال ۱۳۴۰ رژیم پهلوی توانست به‌نحوی این مخالفت‌ها را کاملاً سرکوب کند و بر اوضاع مسلط شود اما از سال ۴۱ به بعد شرایط تغییر کرد. با توجه به آگاهی‌هایی که مردم به دست آورده بودند و تحولات بین‌المللی و افزایش نقش رسانه‌های بین‌المللی و مهم‌تر از همه نقش رهبری امام که از سال‌های ۴۱، ۴۲ خود را نشان داده بود، عملاً صحنه مبارزات سیاسی کشور با گذشته‌اش تفاوت پیدا کرد تا اینکه در یک روند تحولی، این تحولات به سال ۵۶ رسید. در سال ۵۶ حرکت مردم ایران اوج می‌گیرد و رژیم شاه تصور می‌کند مثل گذشته می‌تواند این حرکت را به راحتی سرکوب کند اما هر اقدامی که انجام می‌دهد، عملاً حضور و شدت مخالفت مردم بیشتر می‌شود به‌گونه‌ای که در هر شهری ۵۷ تقریباً کنترل اوضاع از دست رژیم خارج می‌شود و کشور به‌تدریج به سمت انقلاب حرکت می‌کند. به نظر من پاسخ به این سؤال را که «چرا رژیم پهلوی سقوط کرد؟» را می‌توان در متن سخنان خود شاه پیدا کرد.

■ **منظور نشان از آخرین سخنرانی، همان مصاحبه‌ای است که از تلویزیون پخش شد؟**

بله، شاه در این سخنرانی می‌گوید وضعیت موجود استقلال مملکت را به خطر انداخته است. بعد هم می‌گوید: «من آگاه هستم که به نام جلوگیری از آشوب و هرج و مرج امکان دارد که اشتباهات و اختناق گذشته تکرار شود اما من به نام پادشاه شما که سوگند خوردم تمامیت ارضی این مملکت، وحدت ملی، مذهب شیعه اثنی‌عشری را حفظ کنم، بار دیگر در برابر ملت ایران سوگند خود را تکرار می‌کنم و متعهد می‌شوم که خطاهای گذشته و بی‌قانونی و ظلم و فساد تکرار نشود، بلکه خطاها را هر نظر جبران شود. من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم. من حافظ سلطنت مشروطه هستم که موهبتی الهی است که از طرف ملت به پادشاه تفویض شده است و آنچه را که شما برای به دست آوردنش قربانی داده‌اید، تضمین می‌کنم. تضمین می‌کنم که حکومت ایران در آینده بر اساس قانون، عدالت و اراده ملی و به‌طور از استبداد و ظلم و فساد باشد. من در اینجا از آیات عظام و علمای اعلام که رهبران روحانی و مذهبی جامعه و پاسداران اسلام و به‌خصوص خود و دعوت مردم به آرامش و نظم برای حفظ تنها کشور شیعه جهان بگوشتند. من از رهبری فکری جوانان می‌خواهم تا با دعوت آنان به آرامش و نظم، راه مبارزه اصولی برای برقراری یک مودکراسی واقعی به امرواز کنند. در این لحظات تاریخی بگذارید همه به ایوان فکر کنیم و بدانیم که در راه انقلاب ایران همه استعمار، ظلم و فساد من در کنار شما هستم و برای حفظ تمامیت ارضی، وحدت ملی و حفظ شعارهای اسلامی و برقراری آزادی‌های اساسی و پیروزی و تحقق خواست‌ها و آرمان‌های ملت ایران همراه شما خواهم بود.» این متن در واقع به روشن‌ترین وجه، دلیل انقلاب ایران را بیان می‌کند. یعنی شاه می‌گوید اعتراف می‌کنم که وابسته، فاسد، ظالم و بی‌قانون بوده‌ام؛ خاندان سلطنتی در این فساد نقش داشته و حتی به‌صراحت ضدیت خودشان را با اسلام در اشکال مختلف بیان کرده و به مردم نشان داده‌اند.

■ **طبعاً در سقوط این سلسله، شما اولویت را به زمینه‌های داخلی می‌دهید. از منظر شما این زمینه‌ها کدامند؟**

یکی ضدیت این خاندان و رژیم با اسلام بود. دوم فساد گسترده این خانواده در همه زمینه‌ها و سوم وابستگی شدیدشان به خارجی‌ها و چهارم سرکوب و خشنوتی که در برخورد با مخالفان داشتند. در کل وضعیت موجود کشور بر خلاف منافع ملی بود و حیثیت ما زیر چکمه‌های آمریکا و انگلیس از بیسن می‌رفت و منافع کشور توسط دشمنان ما غارت می‌شد. طبعاً تحمل این وضعیت برای مردم ایران بسیار زجرآور بود و اتفاقاً اینکه شعار اصلی مردم ایران در آن دوران استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود، بهترین دلیل بر این است که مردم با تحلیل عمیق به این نتیجه رسیده بودند که بخش عمده‌ای از مشکلات‌شان ریشه در سلطه خارجی و وابستگی رژیم دارد و برای تغییر این وضعیت، اولین گام به دست آوردن استقلال است. مردم با شعار آزادی، خوستار نفی استبداد داخلی بودند و با شعار جمهوری اسلامی، نوع حکومت مورد نظرشان را انتخاب کردند. علاوه بر اینکه شعار «نه شرقی نه غربی» هم به معنای نفی سلطه شرق و غرب بود.

■ **بر خلاف دیدگاه شما، عده‌ای بر این باورند که محمدرضا پهلوی به مذهبی بودن خود پافشاری داشت. سلطنت‌طلب‌ها هم**

میراث پهلوی در حوزه‌های مختلف، از جمله اقتصاد، فرهنگ، آموزش و بهداشت، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است. با وجود اینکه پهلوی‌ها در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است، اما در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است.



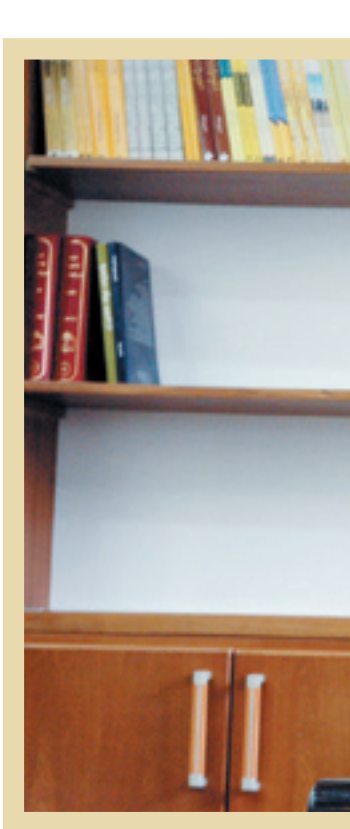
مروری بر زمینه‌های فروریزی حاکمیت پهلوی دوم در گفت‌وشنود «جوان» با جواد منصوری

سقوط رژیم پهلوی به دلیل عامل خارجی نبود

اینکه تقریباً در اغلب صفحات کتاب دو، سه هزار صفحه‌ای علم از فحشا و عیاشی‌های شاه و فرح و درباری‌ها یاد شده است. مثلاً یک بار فرح برای یک هفته می‌رود مسکو و شاه به علم می‌گوید: برای یک هفته سرخر نداریم، برویم جایی که راحت باشیم و حتی پرس: خلیان‌ها نمی‌گویند این زن‌ها چه کردند می‌گذارند. بعد شاه از علم می‌پرسد که دوستان خارجی ما نیامدند؟ علم جواب می‌دهد که دارند با هوایماری اختصاصی از فرانسه می‌آیند. شاه می‌پرسد: خلیان‌ها نمی‌گویند این زن‌ها چه کسانی هستند که با هوایماری اختصاصی آنها را می‌آوریم؟ علم می‌گوید: می‌دانند، ولی به روی خودشان هجری به شاهنشاهی تبدیل می‌شود. بعد هم برنامه جشن هنر شیراز و امثالهم آن وضعیت فاجعه‌بار را در کشور ایجاد کرد. مردم وقتی این عملکرد حاکمیت را دیدند مصمم شدند وضعیت را تغییر دهند. علاوه بر این در دوره محمدرضا شاه، ساواک، ژنادرمری، ارتش و… هر چه توانستند کشند و کوتاهی نکردند. به دلیل شکنجه‌ها، تبعیدها و زندان‌های دوره شاه، این رژیم در سطح جهانی به عنوان یک رژیم سلفاک معروف بود. حتی شاه هیچ احترامی برای معذبین قائل نبود و در مورد دستگیری‌های ۱۵ خرداد می‌گوید: انقلابی که خمینی علیه دولت من و علیه فرم ارضی را انداخت، در قم خواستند راه انداختند. مسلمان‌های مارکسیست معلوم نیست از چه منبیهی پول گرفته‌اند. بعد می‌گوید زدم آنها را داغون کردم و پدرشان را درآوردم و یک سری فحش رکبک می‌دهد.

■ **اوج تبعیدها و شکنجه‌ها و زندان توسط رژیم پهلوی، مربوط به چه سال‌هایی می‌شود؟**

اوج این مسائل از سال ۵۰ به بعد بود ولی تیمور بختیار هم بعد از ۲۸ مرداد ۲۲ دست به کارهای وحشیانه‌ای زد. اساساً ساواک در تمام دنیا به عنوان یک سازمان مخوف معروف بود. مسئله مذهبی بودن شاه هم حرف عجیبی است و با هیچ یک از رفتارهای شاه جور در نمی‌آید. حداقل فساد اخلاقی و سیاسی شاه از روی اسناد باقیمانده کاملاً مشهود است. آزادی و بی‌بندوباری گسترده در سطح کشور، از کابرها و سبیمناها تا فاشحه‌خانه‌ها که قابل انکار نیستند. چطور رئیس مملکتی مذهبی است و چنین اوضاعی در کشور وجود دارد؟ ابتدا جور در نمی‌آید. اگر مصادیقش را خواستید به یادداشت‌های علم مراجعه کنید. نکته عجیب



۵۰ سال پس

میراث پهلوی در حوزه‌های مختلف، از جمله اقتصاد، فرهنگ، آموزش و بهداشت، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است. با وجود اینکه پهلوی‌ها در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است، اما در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است.

ای ایران منافع امریکا و انگلیس را در جاهای دیگر تهدید می‌کرد؟ آیا رژیم شاه در برابر آنها ایستاده بود؟ حتی یک مورد هم نداریم که رژیم شاه در برابر قدرت‌های دیگر ایستاده باشد، بلکه حتی موقعی که در آمد نفت ایران یک مقدار بالا می‌رود، بلافاصله برای جلوگیری از ورشکستگی دولت‌های اروپایی دو کشور‌های دیگر به آنها وام می‌دهد. اسناد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد امریکایی‌ها در ایران هر کاری که می‌خواستند، می‌کردند. به چه دلیل نمایندگان ایران کاپیتولاسیون را تصویب کردند؟ به این دلیل که بر اساس آن هیچ کس در ایران حق نداشته باشد به یک امریکایی اعتراض کند. از آن گذشته آیا امریکا و انگلیس انقلاب اسلامی را می‌خواستند؟ علاوه بر این چطور شد که یک ملت همه با هم قیام کردند؟ در تاریخ انقلاب‌های دنیا این‌س موضوع که پیش از ۸۰ درصد از مردم به میدان بیایند و همگی یکصدا بگویند مرگ بر رژیم حاکم، بی‌نظیر است. چنین چیزی در هیچ انقلابی دیده نشده است. به جرئت می‌توانم بگویم ۸۰ درصد آدم‌هایی که توانایی این را داشتند که به خیابان بیایند- فرتوت‌ها و مریض‌ها و بچه‌ها را کنار می‌گذاریم- آمدند و همگی گفتند مرگ بر شاه. این طور نبود که یک عده بگویند مرگ بر شاه و یک عده بگویند زنده‌باد شاه. اینها نکات مهمی هستند و باید در نظرشان این بود که در ایران جمهوری اعلام کنند و سلطنت را برارند، علی‌الظاهر نماینده انگلیس می‌گوید که رژیم سلطنتی برای حفظ منافع ما در ایران مناسب‌تر است. لذا بلافاصله پس از استعفا پی‌در، محمدرضا را می‌آورند و او در مجلس سوگند یاد می‌کند. پس از آن هم وقتی در سال ۳۲ کودتا شد امریکایی‌ها شاه را دوباره به مملکت برگرداندند. برای همین هم بعد از کودتای ۲۸ مرداد وقتی که شاه به ایران برمی‌گردد، اولین کاری که می‌کند فرستادن تلگرام تشکر برای این‌هاست. در نتیجه محمدرضا خود را همواره مدیون امریکا می‌دانست و تا آخر هم نوکر امریکا بود. در کتاب «یادداشت‌های علم» آمده که شاه به‌صراحت می‌گوید به هر چه که امریکا و انگلیس می‌گویند عمل کنید. در موردی علم به شاه می‌گوید که قربان! از طرف نیکسون یادداشتی آمده و مواردی را دستور داده‌اند که انجام بشود. شاه می‌گوید درباره این مسائل قیلاً صحبت کرده بودیم و قرار بود به شکلی که توافق کرده‌ایم عمل شود. این نامه دیگر چیست؟ علم در پاسخ می‌گوید: قربان! شما که می‌دانید شیعه عمر ما به دست آنهاست، دیگر چرا چانه می‌زیند؟ شاه هم می‌گوید پس هر چه می‌گویند، بشود.

■ **عوامل خارجی وجود ندارد؟**

قطعاً نه. اتفاقاً یکی از موارد نادر در دنیاست که شرق و غرب برای حفظ سلطنت پهلوی متحد بودند. در دوره پیش از انقلاب، جهان دو قطبی بود و معمولاً بین دو قدرت شرق و غرب بر سر حمایت از حکومت‌ها رقابت وجود داشت اما در مورد ایران، شرق و غرب متحد بودند.

■ **اص سلطنت‌طلب‌ها معتقدند چون محمدرضا مثل پدرش در برابر قدرت‌های بزرگ قدم کرده و نخواست به آنها باج دهد، امریکا و انگلیس زمینه‌های سقوط حکومت وی را فراهم کردند.**

بدون دلیل و سند حرف زدن که کاری ندارد. استدلال باید منطقی باشد. به چه دلیلی امریکا یا انگلیس یا هر دولت دیگری باید خواستار سقوط سلطنت پهلوی می‌بودند؟ آیا منافعتان به خطر افتاده بود؟

■ **عوامل خارجی وجود ندارد؟**

قطعاً نه. اتفاقاً یکی از موارد نادر در دنیاست که شرق و غرب برای حفظ سلطنت پهلوی متحد بودند. در دوره پیش از انقلاب، جهان دو قطبی بود و معمولاً بین دو قدرت شرق و غرب بر سر حمایت از حکومت‌ها رقابت وجود داشت اما در مورد ایران، شرق و غرب متحد بودند.

■ **اص سلطنت‌طلب‌ها معتقدند چون محمدرضا مثل پدرش در برابر قدرت‌های بزرگ قدم کرده و نخواست به آنها باج دهد، امریکا و انگلیس زمینه‌های سقوط حکومت وی را فراهم کردند.**

بدون دلیل و سند حرف زدن که کاری ندارد. استدلال باید منطقی باشد. به چه دلیلی امریکا یا انگلیس یا هر دولت دیگری باید خواستار سقوط سلطنت پهلوی می‌بودند؟ آیا منافعتان به خطر افتاده بود؟

■ **طبعاً برشش آغازین ما در این گفت‌وشنود، دسته‌بندی عوامل روی کار آمدن و نیز براندازی سلسله پهلوی است. شما در این باره چه دیدگاهی دارید؟**



۵۰ سال پس

میراث پهلوی در حوزه‌های مختلف، از جمله اقتصاد، فرهنگ، آموزش و بهداشت، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است. با وجود اینکه پهلوی‌ها در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است، اما در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است.

ای ایران منافع امریکا و انگلیس را در جاهای دیگر تهدید می‌کرد؟ آیا رژیم شاه در برابر آنها ایستاده بود؟ حتی یک مورد هم نداریم که رژیم شاه در برابر قدرت‌های دیگر ایستاده باشد، بلکه حتی موقعی که در آمد نفت ایران یک مقدار بالا می‌رود، بلافاصله برای جلوگیری از ورشکستگی دولت‌های اروپایی دو کشور‌های دیگر به آنها وام می‌دهد. اسناد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد امریکایی‌ها در ایران هر کاری که می‌خواستند، می‌کردند. به چه دلیل نمایندگان ایران کاپیتولاسیون را تصویب کردند؟ به این دلیل که بر اساس آن هیچ کس در ایران حق نداشته باشد به یک امریکایی اعتراض کند. از آن گذشته آیا امریکا و انگلیس انقلاب اسلامی را می‌خواستند؟ علاوه بر این چطور شد که یک ملت همه با هم قیام کردند؟ در تاریخ انقلاب‌های دنیا این‌س موضوع که پیش از ۸۰ درصد از مردم به میدان بیایند و همگی یکصدا بگویند مرگ بر رژیم حاکم، بی‌نظیر است. چنین چیزی در هیچ انقلابی دیده نشده است. به جرئت می‌توانم بگویم ۸۰ درصد آدم‌هایی که توانایی این را داشتند که به خیابان بیایند- فرتوت‌ها و مریض‌ها و بچه‌ها را کنار می‌گذاریم- آمدند و همگی گفتند مرگ بر شاه. این طور نبود که یک عده بگویند مرگ بر شاه و یک عده بگویند زنده‌باد شاه. اینها نکات مهمی هستند و باید در نظرشان این بود که در ایران جمهوری اعلام کنند و سلطنت را برارند، علی‌الظاهر نماینده انگلیس می‌گوید که رژیم سلطنتی برای حفظ منافع ما در ایران مناسب‌تر است. لذا بلافاصله پس از استعفا پی‌در، محمدرضا را می‌آورند و او در مجلس سوگند یاد می‌کند. پس از آن هم وقتی در سال ۳۲ کودتا شد امریکایی‌ها شاه را دوباره به مملکت برگرداندند. برای همین هم بعد از کودتای ۲۸ مرداد وقتی که شاه به ایران برمی‌گردد، اولین کاری که می‌کند فرستادن تلگرام تشکر برای این‌هاست. در نتیجه محمدرضا خود را همواره مدیون امریکا می‌دانست و تا آخر هم نوکر امریکا بود. در کتاب «یادداشت‌های علم» آمده که شاه به‌صراحت می‌گوید به هر چه که امریکا و انگلیس می‌گویند عمل کنید. در موردی علم به شاه می‌گوید که قربان! از طرف نیکسون یادداشتی آمده و مواردی را دستور داده‌اند که انجام بشود. شاه می‌گوید درباره این مسائل قیلاً صحبت کرده بودیم و قرار بود به شکلی که توافق کرده‌ایم عمل شود. این نامه دیگر چیست؟ علم در پاسخ می‌گوید: قربان! شما که می‌دانید شیعه عمر ما به دست آنهاست، دیگر چرا چانه می‌زیند؟ شاه هم می‌گوید پس هر چه می‌گویند، بشود.

■ **عوامل خارجی وجود ندارد؟**

قطعاً نه. اتفاقاً یکی از موارد نادر در دنیاست که شرق و غرب برای حفظ سلطنت پهلوی متحد بودند. در دوره پیش از انقلاب، جهان دو قطبی بود و معمولاً بین دو قدرت شرق و غرب بر سر حمایت از حکومت‌ها رقابت وجود داشت اما در مورد ایران، شرق و غرب متحد بودند.

■ **اص سلطنت‌طلب‌ها معتقدند چون محمدرضا مثل پدرش در برابر قدرت‌های بزرگ قدم کرده و نخواست به آنها باج دهد، امریکا و انگلیس زمینه‌های سقوط حکومت وی را فراهم کردند.**

بدون دلیل و سند حرف زدن که کاری ندارد. استدلال باید منطقی باشد. به چه دلیلی امریکا یا انگلیس یا هر دولت دیگری باید خواستار سقوط سلطنت پهلوی می‌بودند؟ آیا منافعتان به خطر افتاده بود؟

میراث پهلوی در حوزه‌های مختلف، از جمله اقتصاد، فرهنگ، آموزش و بهداشت، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است. با وجود اینکه پهلوی‌ها در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است، اما در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است.

ای ایران منافع امریکا و انگلیس را در جاهای دیگر تهدید می‌کرد؟ آیا رژیم شاه در برابر آنها ایستاده بود؟ حتی یک مورد هم نداریم که رژیم شاه در برابر قدرت‌های دیگر ایستاده باشد، بلکه حتی موقعی که در آمد نفت ایران یک مقدار بالا می‌رود، بلافاصله برای جلوگیری از ورشکستگی دولت‌های اروپایی دو کشور‌های دیگر به آنها وام می‌دهد. اسناد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد امریکایی‌ها در ایران هر کاری که می‌خواستند، می‌کردند. به چه دلیل نمایندگان ایران کاپیتولاسیون را تصویب کردند؟ به این دلیل که بر اساس آن هیچ کس در ایران حق نداشته باشد به یک امریکایی اعتراض کند. از آن گذشته آیا امریکا و انگلیس انقلاب اسلامی را می‌خواستند؟ علاوه بر این چطور شد که یک ملت همه با هم قیام کردند؟ در تاریخ انقلاب‌های دنیا این‌س موضوع که پیش از ۸۰ درصد از مردم به میدان بیایند و همگی یکصدا بگویند مرگ بر رژیم حاکم، بی‌نظیر است. چنین چیزی در هیچ انقلابی دیده نشده است. به جرئت می‌توانم بگویم ۸۰ درصد آدم‌هایی که توانایی این را داشتند که به خیابان بیایند- فرتوت‌ها و مریض‌ها و بچه‌ها را کنار می‌گذاریم- آمدند و همگی گفتند مرگ بر شاه. این طور نبود که یک عده بگویند مرگ بر شاه و یک عده بگویند زنده‌باد شاه. اینها نکات مهمی هستند و باید در نظرشان این بود که در ایران جمهوری اعلام کنند و سلطنت را برارند، علی‌الظاهر نماینده انگلیس می‌گوید که رژیم سلطنتی برای حفظ منافع ما در ایران مناسب‌تر است. لذا بلافاصله پس از استعفا پی‌در، محمدرضا را می‌آورند و او در مجلس سوگند یاد می‌کند. پس از آن هم وقتی در سال ۳۲ کودتا شد امریکایی‌ها شاه را دوباره به مملکت برگرداندند. برای همین هم بعد از کودتای ۲۸ مرداد وقتی که شاه به ایران برمی‌گردد، اولین کاری که می‌کند فرستادن تلگرام تشکر برای این‌هاست. در نتیجه محمدرضا خود را همواره مدیون امریکا می‌دانست و تا آخر هم نوکر امریکا بود. در کتاب «یادداشت‌های علم» آمده که شاه به‌صراحت می‌گوید به هر چه که امریکا و انگلیس می‌گویند عمل کنید. در موردی علم به شاه می‌گوید که قربان! از طرف نیکسون یادداشتی آمده و مواردی را دستور داده‌اند که انجام بشود. شاه می‌گوید درباره این مسائل قیلاً صحبت کرده بودیم و قرار بود به شکلی که توافق کرده‌ایم عمل شود. این نامه دیگر چیست؟ علم در پاسخ می‌گوید: قربان! شما که می‌دانید شیعه عمر ما به دست آنهاست، دیگر چرا چانه می‌زیند؟ شاه هم می‌گوید پس هر چه می‌گویند، بشود.

■ **عوامل خارجی وجود ندارد؟**

قطعاً نه. اتفاقاً یکی از موارد نادر در دنیاست که شرق و غرب برای حفظ سلطنت پهلوی متحد بودند. در دوره پیش از انقلاب، جهان دو قطبی بود و معمولاً بین دو قدرت شرق و غرب بر سر حمایت از حکومت‌ها رقابت وجود داشت اما در مورد ایران، شرق و غرب متحد بودند.

■ **اص سلطنت‌طلب‌ها معتقدند چون محمدرضا مثل پدرش در برابر قدرت‌های بزرگ قدم کرده و نخواست به آنها باج دهد، امریکا و انگلیس زمینه‌های سقوط حکومت وی را فراهم کردند.**

بدون دلیل و سند حرف زدن که کاری ندارد. استدلال باید منطقی باشد. به چه دلیلی امریکا یا انگلیس یا هر دولت دیگری باید خواستار سقوط سلطنت پهلوی می‌بودند؟ آیا منافعتان به خطر افتاده بود؟

میراث پهلوی در حوزه‌های مختلف، از جمله اقتصاد، فرهنگ، آموزش و بهداشت، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است. با وجود اینکه پهلوی‌ها در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است، اما در حوزه سلامت، به‌شدت پدیدار شده است.

ای ایران منافع امریکا و انگلیس را در جاهای دیگر تهدید می‌کرد؟ آیا رژیم شاه در برابر آنها ایستاده بود؟ حتی یک مورد هم نداریم که رژیم شاه در برابر قدرت‌های دیگر ایستاده باشد، بلکه حتی موقعی که در آمد نفت ایران یک مقدار بالا می‌رود، بلافاصله برای جلوگیری از ورشکستگی دولت‌های اروپایی دو کشور‌های دیگر به آنها وام می‌دهد. اسناد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد امریکایی‌ها در ایران هر کاری که می‌خواستند، می‌کردند. به چه دلیل نمایندگان ایران کاپیتولاسیون را تصویب کردند؟ به این دلیل که بر اساس آن هیچ کس در ایران حق نداشته باشد به یک امریکایی اعتراض کند. از آن گذشته آیا امریکا و انگلیس انقلاب اسلامی را می‌خواستند؟ علاوه بر این چطور شد که یک ملت همه با هم قیام کردند؟ در تاریخ انقلاب‌های دنیا این‌س موضوع که پیش از ۸۰ درصد از مردم به میدان بیایند و همگی یکصدا بگویند مرگ بر رژیم حاکم، بی‌نظیر است. چنین چیزی در هیچ انقلابی دیده نشده است. به جرئت می‌توانم بگویم ۸۰ درصد آدم‌هایی که توانایی این را داشتند که به خیابان بیایند- فرتوت‌ها و مریض‌ها و بچه‌ها را کنار می‌گذاریم- آمدند و همگی گفتند مرگ بر شاه. این طور نبود که یک عده بگویند مرگ بر شاه و یک عده بگویند زنده‌باد شاه. اینها نکات مهمی هستند و باید به فکر بانی، این دولت، دولت مناسسی نیست و یک سری از گرفتاری‌ها را باید در دست کرد. یک مقدار در مورد تفکراتی صحبت می‌کنند. حتی در جایی می‌گوید تا زمانی که این دولت نهایی امریکایی فراماسون-منظورش هویداست- سر کار هست، «نه از تاک نشان ماند و نه از تاک‌نشان.» شاه یک‌مرتبه به فکر می‌افتد و می‌پرسد: «یعنی می‌گویی یک روزی ما را خائن می‌دانند؟» علم در ۱۰، ۲۰ سال آخر در نگهداری سلطنت پهلوی خیلی تأثیرگذار بود. همین طور چند نفر دیگر بود؛ یک‌کتاب‌آبادی که همه اینها در سال ۵۷ از دور شاه برانکند می‌شوند.

■ **رضای پهلوی در مصاحبه‌ای گفته پدرم وقتی از کشور خارج شد بیش از ۶۲ میلیون دلار با خودش نبرد. این مسئله چقدر با مستندات تاریخی مطابقت دارد؟**

او در سال ۵۷ چه کاره بود و چه نقشی داشته و اصلاً چه رسیده به او گفت که ما داریم ۶۲ میلیون دلار را از این کشور بیرون می‌بریم؟ حرف این‌س آدم اعتبار ندارد. دوم اینکه مگر ثروت پدرش فقط همان پولی بود که همراه خود برد؟ یا اینها برای اسنال پول‌های ایران و در بانک‌های خارجی سپرده‌گذاری کردند و ثروت اینها خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. به این انقلاب ایستادند و حتی یک روز به این انقلاب فرصت نفس کشیدن ندادند؟ امریکا از صبح روز ۲۳ بهمن برنام‌اش را برای سقوط جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد.

■ **نخستین شیوه امریکایی‌ها برای ضربه زدن به انقلاب ایران چه بود؟**

۱- با تبلیغ اینکه حاکمان جدید ایران بنیادگرا، مرتجع و ضدتمدن هستند. امریکایی‌ها اصطلاح بنیادگرا برای ایران را در دنیا باب کردند. ۲- در همان ماه‌های اول پیروزی انقلاب، در کنگره‌شان قطع‌نامه‌ای را تصویب کردند که در ایران قانون حاکمیت ندارد، حقوق بشر رعایت نمی‌شود و بی‌پسود و بی‌جهت آدم‌ها را می‌کشند. بعد ایران را محکوم و تحریم کردند. ۳- از تجزیه‌طلب‌های آذربایجان، ترکمن صحرا و… حمایت کردند.

■ **به چه علت سرویس‌های جاسوسی امریکا و انگلیس و اسرائیل بعد از ۴۰ سال در تلاش هستند سلطنت پهلوی را احیا و تطهیر کنند؟**

اولاً دشمنان انقلاب به‌هر شکلی که بتوانند به این نظام ضربه‌زنند عمل می‌کنند و کاملاً هم طبیعی است. دوم اینکه اینها فکر می‌کنند می‌توانند نسل جوان را نسبت به انقلاب بی‌انگیزه و بی‌تفاوت و حتی به‌نوعی مخالف نظام کنند و به این ترتیب سودش را ببرند. البته به نظر من صددرصد اشتباه می‌کنند. ممکن است که مردم به دلالی از وضع موجود ناراضی باشند ولی معنی‌اش این نیست که به حکومت امریکایی‌ها رضایت خواهند داد. قطعاً اشتباه می‌کنند که تصور می‌کنند امریکا می‌تواند آنترانیتی جمهوری اسلامی باشد. اینها تحلیل و توهم است و امریکایی‌ها هیچ‌گاه نتیجه نخواهند گرفت.

■ **با تشکر از فرصتی که در اختیار ما گذاشتید.**

البته کسی که نمی‌خواهد ببیند، نمی‌بیند و الا واضح است. از آن طرف می‌بینیم که امام دستور